

بررسی و مقایسه واحدهای ساختمانی شده مسکن مهر با اصول و معیارهای معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی

(محدوده مورد مطالعه: شهر بروجرد)

حمیدرضا صارمی^۱، مهسا هداایتیان^۲، سیدسعید علوی^۲

چکیده

معماری ایران یکی از غنی ترین نمونه های معماری بومی در جهان است که دست آوردهای آن قابل انکار نیست. با ظهور اسلام و گسترش آن در ایران، معماری ایرانی با ارزش های برآمده از دین، ترکیب شده و اصول غنی معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی را پدید آورد. بعد از دهه ۱۳۰۰ و با باز شدن درهای ایران به کشورهای جهان، معماری غربی وارد کشور شد و در رقابت با معماری ایرانی - اسلامی پیروز گردید و از آن پس، بناهای ایران، با اصول معماری غربی ساخته شدند. معماری که نه تنها با فرهنگ ایرانی - اسلامی بسیار متفاوت بوده و چه بسا در تعارض با آن قرار گرفت، نمونه ی بارز این نوع معماری رامی توان در خانه های معاصر و از جمله مسکن مهر مشاهده نمود. برنامه ای که جهت تأمین مسکن اقشار کم درآمد در دستور کار دولت نهم قرار گرفت.

هدف از این تحقیق بررسی معیارها و شاخصه های معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی در مسکن مهر می باشد و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و جمع آوری داده ها به روش کتابخانه ای و بازدید میدانی و تکمیل پرسشنامه انجام گرفته است.

نتایج تحقیق بیانگر این است که از نظر معماری ویژگی های معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی در مسکن مهر دیده نشد و کاربرد معماری غربی در داخل بنا و همچنین نمای آن ها مشهود است.

واژه های کلیدی: معماری ایرانی - اسلامی، مسکن، مسکن مهر

۷۳

شماره ۱-۷
بهار ۱۳۹۶
فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

بررسی و مقایسه واحدهای ساختمانی شده مسکن مهر با اصول و معیارهای معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی

۱ saremi@modares.ac.ir

۱ عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده معماری و شهرسازی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۲ Hedayatianmahsa@yahoo.com

۲ مدرس گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، ایران.

۳ Ssalavi@gmail.com

۳ کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۱. مقدمه

افزایش جمعیت، مدیران شهری را با مشکلات عدیده‌ای از جمله تامین زیرساخت‌ها و ارائه خدمات شهری متناسب با این افزایش و همچنین برآورده کردن نیازهای اولیه شهروندان روبه‌رو کرده است که در واقع مهمترین این نیازها مسکن می‌باشد و تامین آن مهمترین دغدغه را برای مدیران و مسئولان ایجاد کرده است، افزایش نیاز به مسکن نباید طراحان و متولیان اجرای مسکن را از نوع معماری سنتی هر جامعه جدا کرده و صرفاً بحث تامین مسکن با هر شرایطی را مطرح سازد. [۱]

باید گفت متاسفانه الگوی معماری امروز ایران از شکل بومی و اسلامی خود فاصله گرفته و مشکلات پنهان و آشکاری پدید آورده است، از جمله کم شدن نور طبیعی محل سکونت و تحمیل محدودیت‌های بسیار. تأکید قرآن بر اینکه خانه محل سکونت است و این سکونت پیش از آنکه مفهومی فیزیکی داشته باشد در خود دارای معنای متفاوتی، به معنای سکونت و آرامش روح و روان است، ایجاب می‌کند قالب‌ها و فرم‌های مسکن در جامعه اسلامی در جهت تحقق این معانی شکل گیرند، لاجرم در این الگوی معماری، معنا مقدم بر قالب و ایده بنیان صورت است و به یک عبارت، روح جاری در قالب و فرم شکل می‌گیرد. [۲]

جامعه ایرانی برای خانه ارزش ذاتی قائل بوده و با ایجاد فرم‌های گوناگون ارزش‌های معنوی و فرهنگی خود را حفظ می‌کرده، اما با کمال تأسف باید گفت جامعه ما به این فرم‌ها در جهت پاس داشت این ارزش‌ها وفادار نمانده است که این عدم وفاداری در ساخت مسکن نیز مشهود است. در مورد خانه‌های امروزی و فاصله آن با الگوی مسکن ایرانی-اسلامی باید گفت که: اینک عواملی صوری و ظاهری چون رفاه، راحتی صرف و مهمتر، اصل حداکثری گنجایش و نیز کارآمدی هر چه افزونتر به هر قیمت، عرصه را برای ظهور معانی انسانی تنگ نموده و مسکن بیشتر ناظر به تأمین اهداف فیزیکی حیات انسان است تا متفاوتی. لاجرم غلبه چنین سیاست‌هایی مساکنی ایجاد نموده که در مواردی حتی از حداقل مبانی ارزشی و فرهنگی نیز محروم‌اند. در این صورت مسکن هویت ذاتی خود که ایجاد آرامش درون و تسکین روح و جسم و جان است را از دست می‌دهد و به یک عبارت کارکردی کاملاً متفاوت با هویت ذاتی خود تبدیل می‌شود. [۳]

مبانی نظری

۲. ویژگی‌های معماری

هنر در ایران زمین به قدمت تاریخ است و معماری از بهترین

هنرهای ایرانی است. بر اساس آنچه از نوشته‌های تاریخی به دست می‌آید، هنر و صنعت از پنج هزار سال قبل از میلاد در ایران زمین ریشه و نشان دارد. و به همین علت است که تمامی گستره این مرز و بوم مانند کتاب زنده‌های از تاریخ، معماری و هنر ایرانی-اسلامی را نشان می‌دهند. با مراجعه به منابع تاریخی کمتر مکانی را می‌یابیم که در آن معیار باستانی و اماکن زیارتی و مذهب با ویژگی‌های خاص معماری ایرانی وجود نداشته باشد. نظری اجمالی به معماری ایران در عهد باستان بیانگر اصول شکل دهنده آن همچون آسایش، استحکام، انبساط و... است. پس از ورود اسلام به سرزمین پهنای ایران، فرهنگ و هنر این پهنه با عوامل تازه‌ای ترکیب شد، اصول، آداب و رسوم، مراسم مذهبی، روحیه، اخلاقیات، اندیشه و عقیده نسل‌ها و سایر ویژگی‌های مردمی نه تنها در بناهای عظیم که در ابنیه کوچک نیز نمود دارد و چنان با جوهره‌ی وجودی معماری ایرانی در آمیخته است که رد پای آن در تمامی آثار معماری گذشته قابل پی‌جویی است. [۴]

۳. اصول معماری ایرانی

هنر و معماری ایران از دیرباز دارای چند اصل بوده که بخوبی در نمونه‌های این هنر نمایان شده است. این اصول چنین هستند: مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خود بسندگی و درون‌گرایی. [۵]

جدول ۱. اصول معماری ایرانی

| | |
|---|------------------|
| مردم‌واری به معنای رعایت تناسب میان اندام‌های ساختمانی با اندام‌های انسان و توجه به نیازهای او در کار ساختمان سازی است. | مردم‌واری |
| در معماری ایرانی تلاش می‌شده کار بیهوده در ساختمان سازی نکنند و از اسراف پرهیز می‌کردند. | پرهیز از بیهودگی |
| واژه‌ی نیارش در معماری گذشته ایران بسیار بکار میرفته است. نیارش به معنای دانش ایستایی، فن ساختمان و ساختمایه (مصالح) شناسی گفته می‌شده است. | نیارش |
| معماران ایرانی تلاش می‌کردند ساختمایه مورد نیاز خود را از نزدیکترین جاها بدست آورند و چنان ساختمان می‌کردند که نیازمند به ساختمایه جاهای دیگر نباشد و خود بسنده باشند. بدین گونه کار ساخت با شتاب بیشتری انجام می‌شده و ساختمان با طبیعت پیرامون خود سازوارتر در می‌آمده است و هنگام نوسازی آن نیز همیشه ساختمایه آن در دسترس بوده‌است. | خود بسندگی |
| اصولاً در ساماندهی اندام‌های گوناگون ساختمان و بویژه خانه‌های سنتی، باورهای مردم، بسیار کارساز بوده است. یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر بگونه‌های معماری ایران را درون‌نگر ساخته است. | درون‌گرایی |

(منبع: [۵])

۴. معماری اسلامی

معماری اسلامی یکی از بزرگ‌ترین جاده‌های ظهور یک حقیقت هنری در کالبد مادی به شمار می‌آید. معماری اسلامی به مثابه یکی از بزرگ‌ترین شاخه‌های هنر اسلامی توانسته است، بخش عظیمی از خصوصیات هنر اسلامی در بستر زمان و در طول دوره‌های گوناگون را نهادینه سازد. از لحاظ تاریخی معماری اولین هنری به شمار می‌آید که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نموده، از طرف مسلمانان مورد استقبال قرار گیرد. اقبال مسلمانان به این هنر موجب گردید تا سال‌ها به عنوان تنها هنر اسلامی به درج مفاهیم دینی و مذهبی اسلامی بپردازد. این امر تا آنجا ادامه یافت که در ذهن اغلب مردم با شنیدن واژه‌ی هنر اسلامی، اولین چیزی که مورد توجه قرار می‌گیرد، معماری اسلامی است [۶].

معماری اسلامی به عنوان یکی از موفق‌ترین شیوه‌های معماری در تاریخ معماری جهان قابل بازشناسی است. بنابراین می‌توان معماری اسلامی ایران را آئینه‌ای دانست که آموزه‌های اصیل، معنوی و الهی حکمت اسلامی را در خود به ودیعه نهاده است.

معماری اسلامی برآیند کوشش‌های همه‌جانبه معماران کشورهای اسلامی است و از لحاظ موقعیت قرارگیری این بناها، بازه‌ای گسترده از کشورهای اسلامی به چشم می‌آید که علی‌رغم تمایزات اقلیمی و فرهنگی از هماهنگی‌های معنوی فراوانی برخوردارند. آنچه آثار معماری اسلامی را با تمام گونه‌گونی‌ها در یک مجموعه در کنار یکدیگر تعریف می‌کند، انگارهای است که آموزه‌های معنوی معماری اسلامی را در تک‌تک این آثار متبلور ساخته است. [۷]

اصل وحدت جوهرهای کارگشا در بازشناسی آثار معماری اسلامی است، زیرا از یک سواد راک بنا را ممکن می‌سازد و از سوی دیگر امکان می‌دهد، تمامی آثار معماری اسلامی ایران و دیگر کشورهای اسلامی را به صورت مجموعه‌ای واحد مورد مطالعه قرار داد [۸].

۵. معماری اسلامی در ایران

معماری اسلامی ایران هر چند چون بسیاری دیگر از شیوه‌های معماری اسلامی تحت تأثیر خصوصیات بومی و تاریخی خود بوده است، یکی از مهم‌ترین و موفق‌ترین مکاتب معماری اسلامی به شمار می‌آید زیرا در طی سالیان متمادی، سیر صعودی و جنبه‌ی تکاملی خویش را به نمایش گذارده است. شیوه‌های معماری ایرانی هر یک تکمیل‌کننده شیوه‌های پیش از خود بوده‌اند و تا سال‌ها

بدون کمترین خللی به تکامل و تعالی پرداخته است. موقعیت جغرافیایی ایران نیز در این زمینه بسیار مؤثر بوده است زیرا، از یک سو ایرانیان از اولین اقوامی بودند که به دین مبین اسلام مشرف شدند و از سوی دیگر بسیاری از ملت‌ها و کشورهای دیگر نیز از طریق ایران به موفقیت دست یافتند. گسترش جغرافیایی [۹].

۶. اصول و مفاهیم بنیادین در معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی

در این مبحث بایستی یادآور شویم که شهر به معنای رایج آن در شهرسازی ایرانی و به ویژه شهرسازی دوره - ی اسلامی، «محل تجلی تمدن» است. به همین سبب، شهرهای ایرانی - اسلامی از ابتدای شکل‌گیری، اولاً به عنوان شهر ایجاد شده‌اند و ثانیاً بر مبنای نظری مشخص در بستر طبیعی احداث شده‌اند و بدیهی است شهری که مقرر است محل تجلی تمدن باشد، به قطع و یقین دارای مبنای نظری ویژه‌ای برای طراحی و احداث است؛ کما این که ارتباط کالبد (محیط زندگی انسان) با بستر طبیعی در مجتمع‌های زیستی روستایی نیز مشاهده می‌شود. [۱۰] این ارتباط ماهیتاً با ارتباط مشابه آن در شهر، متفاوت است. از سوی دیگر، توجه به این نکته لازم است که معماری همیشه و همه جا، هنری وابسته به زندگی بوده و در هر زمان روش زندگی بوده که برنامه کاری معماری را پی می‌ریخته است. بنابراین آنچه گفته شد، اصول و مفاهیم بنیادین در معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی عبارت است از: مرکزیت، تنوع، نظم و نظام، هماهنگی با طبیعت، ابهام و ابهام، حفظ حریم و حرمت اشخاص و خانواده (حرمت و محرمیت)، تعادل، پرهیز از اسراف، کمال‌گرایی کامل بودن

۷. معماری ایرانی - اسلامی

معماری ایرانی - اسلامی در مقام توصیف به بازه گسترده‌ای از آثار معماری اطلاق می‌گردد که در طول سال‌های متمادی رونق اسلام در سرزمین‌های اسلامی شکل گرفته‌اند. هر چند از لحاظ ظاهری تفاوت‌هایی در میان آن‌ها به چشم می‌خورد، در یک نگاه کلی و جامع نگر می‌توان پیوستاری ارزشمند و پویا را در آن‌ها بازشناسی کرد که موجب شده تمامی آن‌ها در قالبی واحد با عنوان معماری اسلامی در کنار یکدیگر قرار گیرند.

بافت در هم تنیده و یکپارچه در شهرهای فرهنگی و تاریخی، همسایگی بناهای ریزدانه در کنار بناهای فاخر و وسیع، عدم وجود محلات بالاشهری و پایین شهری، مرکزیت مسجد در محلات و مبدائیت مسجد جمعه

در مرکز این شهرها، حامل پیام‌های دیگری است که می‌تواند به تداعی پیچیدگی‌های آفرینش، مخاطرات موجود در شناخت صراط مستقیم و خطرات گمراهی در جهان گذران، لزوم توجه و احسان به مستمندان و درماندگان منتهی شود. در این معماری هیچ چیز از معنی منفک نیست. [۱۱]

معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی، ارتباطی دوسویه با طبیعت دارد؛ به گونه‌ای که در تمامی بناهای معماری درون شهرها، خلاصه‌ای از طبیعت ایجاد شده است. در شهر ایرانی-اسلامی، بناها دارای حیاط مرکزی است که در آن ساکنین علاوه بر آنکه امکان مشاهده آسمان، ماه، ستارگان و خورشید را دارند، درون آن آب و گل و گیاه نیز منظور شده است. به این ترتیب، رابطه با طبیعت در مقیاس خرد، در خانه و در نزدیک‌ترین حالت برقرار می‌شده است. مصالح مورد استفاده در ساخت و سازها، مصالح طبیعی و به ویژه خاک است که عوارض تخریبی بر محیط طبیعی نداشته و در صورت تخریب بنا، این مصالح قابل بازیافت و استفاده‌ی مجدد است. علاوه بر این، جهت‌گیری ابنیه به گونه‌ای است که بهترین بهره‌برداری از عوامل طبیعی (تابش آفتاب، وزش باد و بارش نزولات جوی) را به همراه داشته باشد. ضمن آنکه در پاره‌ای از نقاط به فراخور نیاز، با ابداع عناصری نظیر بادگیر و فضاهایی نظیر: شبستان و شوادان، تهدیدهای طبیعی موجود را به فرصت تبدیل نموده‌اند. همچنین بهره‌برداری از منابع آب نیز به صورتی انجام شده است که باعث آلودگی آن‌ها نشود و حداکثر بهره‌برداری از این منابع صورت پذیرد [۱۲].

۸. مسکن و اهمیت آن

مسکن یا سرپناه یکی از نیازهای اساسی انسان را تشکیل می‌دهد. در بین نیازهای اساسی انسان، دسترسی به مسکن (به عنوان یک نیاز سکونتی) مشکل‌تر و محدودتر است. مقوله مسکن گسترده و پیچیده بوده و ابعاد متنوعی دارد و نمی‌توان تعریف واحدی از آن ارائه نمود. مسکن یک مکان فیزیکی است و به عنوان سرپناه و نیاز اولیه و اساسی خانوار به حساب می‌آید. در این سرپناه برخی از نیازهای اولیه فرد مانند خوراک، استراحت و حفاظت در برابر شرایط جوی تأمین می‌شود [۱۳].

تعریف و مفهوم عام مسکن، یک واحد مسکونی نیست بلکه کل محیط مسکونی را شامل می‌گردد. [۱۴]. به عبارت دیگر، مسکن چیزی بیش از یک سرپناه صرفاً فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای بهتر زیستن انسان را

شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده کننده آن فراهم باشد [۱۵].

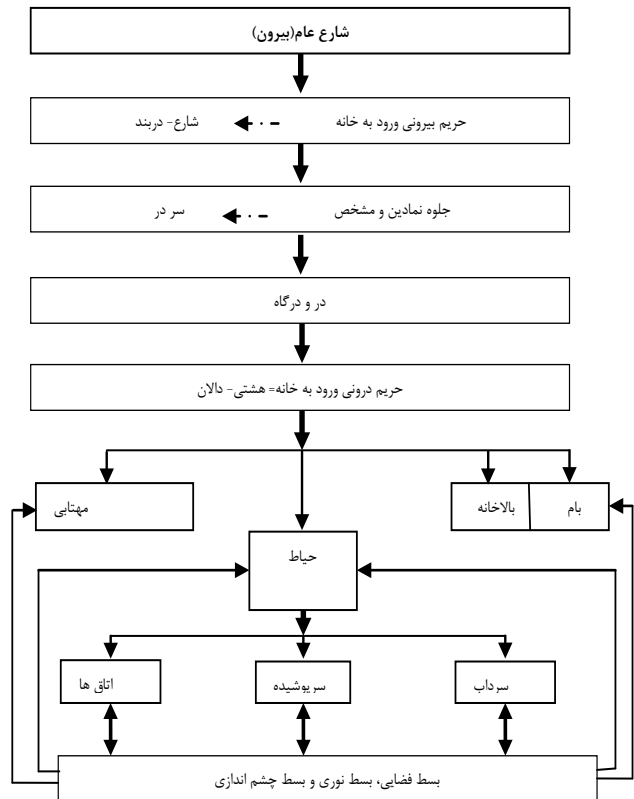
تعریف دیگری که از مسکن شده مسکن را با توجه به دیدگاه سرشماری نگاه می‌کند و تعریف آن را این چنین می‌آورد: مکانی است که در زمان سرشماری یک یا چند خانوار در آن سکونت دارند. منظور از مکان تمام یا قسمتی از هر ساختمان است که یک ورودی و یک معبر عمومی (کوچه)، خیابان، بازار، میدان یا معبر اختصاصی (راهروی مشترک، راه پله‌های مشترک...) داشته باشد [۱۶]. شبیه به این تعریف می‌توان گفت بیشتر جنبه اقتصادی نیز در آن ملحوظ شده است، تعریف زیر می‌باشد: مسکن مکانی است که یک یا چند خانوار در آن ساکن باشند و مکان، فضا و محوطه‌ای محصور است که یک یا چند ورودی به گذرگاه همگانی (کوچه، خیابان، بازار و میدان) و یا به گذرگاه ویژه (راهروی مشترک، پله مشترک) داشته باشد [۱۷].

در دومین اجلاس اسکان بشر (۱۹۹۶) که در استانبول برگزار شد مسکن مناسب چنین تعریف شده است: سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخصی نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه مناسب از قبیل آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود [۱۸].

مسکن در ثبات اقتصادی و بهزیستی خانواده نقش اساسی دارد. این عامل از جنبه اجتماعی بسیار قوی برخوردار است، زیرا فقر و عدم تأمین اقتصادی از وجوه عمده مسائل اجتماعی و بی‌ثباتی به شمار می‌رود و فرصت‌های شغلی، دوری و نزدیکی مسکن به محل کار، هزینه‌های رفت و آمد از عوامل اساسی اقتصادی تأثیرگذار بر امر مسکن هستند. مسکن به مثابه نوعی سرمایه گذاری، دارای مفهوم مهم اقتصادی است و به عنوان شکلی از پس انداز نیز منافع ویژه‌ای برای ساکنان در بردارد. ارزش آن به عنوان یک کالای مطلوب و مفید قابل توجه است. برنامه‌های مسکن را می‌توان به صورتی تدوین کرد که منافع حاصل از آن به شکل پس انداز شخصی به حداکثر برسد [۱۹].

۹. ویژگی‌های خانه ایرانی براساس ادبیات خانه در ایران

نمودار شماره ۱، نمودار مراتب و توالی فضاها در خانه ایرانی



(منبع: [۲۰])

ویژگی‌های معماری خانه ایرانی می‌تواند برای رسیدن به معیارهای طراحی در خانه‌های معاصر مدنظر قرارگیرد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

- حضور همزمان سه گونه فضای باز، بسته و پوشیده در خانه
- وجود نسبت‌های مشخص در هر بنا برای سه گونه فضای باز، بسته و پوشیده
- وجود طیف متنوع فضا از قلمرو کاملاً خصوصی تا عمومی در خانه
- امکان تحقق زندگی خصوصی خانواده در هر سه گونه فضای باز، بسته و پوشیده
- انعطاف پذیری فضا در مقابل پویایی شیوه زندگی، رفتارها و حالات انسان و عدم اختصاص فضا به عملکرد خاص
- فقدان غلبه اشیاء بر سازمان فضایی خانه

ارتباط با آب و گیاه و دیدار و تماشا از طریق ایجاد چشم انداز اتاق‌ها به فضای باز خانه تا مشاهده و لمس از نزدیک. سلسله مراتب دسترسی در خانه‌های ایرانی با

کمی تفاوت نسبت به هم به ترتیب ۱- ورودی، ۲- هشتی، ۳- دالان، ۴- حیاط، ۵- ایوان یا راهرو، ۶- عملکرد اصلی، ۷- فضاهای خدماتی.

۱۰. اصول و معیارهای بنیادین در مسکن ایرانی-اسلامی

معیارهای مسکن مطلوب به این محدود نمی‌شود که فقط سرپناه و حافظ انسان در برابر شرایط نامساعد جوی و گزند حیوانات و احتمالاً آسیب هموعانش باشد، یا قیمت کم و مناسبی داشته باشد، یا این که تأمین آن برای هر کس مقدور باشد. همه‌ی این‌ها لازم‌اند، اما کافی نبوده و همه‌ی مسائلی نیستند که در تعریف مسکن مطلوب باید به آن‌ها توجه شود. مسکن باید شرایطی را داشته باشد که بتواند به عنوان محل امن و سکنی و آرامش انسان ایفای نقش کند. و این به صراحت مأخوذ از کلام الهی است که می‌فرماید: "اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا: و خدا برای سکونت شما منزل‌هایتان را قرار داد" [۲۱]. ضمن آن که توجه به آیه‌ی شریفه‌ی ۸۶ سوره‌ی مبارکه‌ی نمل نشان می‌دهد که علاوه بر اهمیت مسکن (به طور عام) تأمین شرایط مناسب آن در شب نیز اهمیت خاص دارد.

اگر برخی عوامل مرتبط با مسکن مثل الگوی ساخت و نوع مصالح و حتی زمین ثابت و به عنوان ارزش فرض شوند و از سویی میزان بودجه‌ی در اختیار برای تهیه‌ی مسکن نیز ثابت باشد ناچار دائماً از ویژگی‌های کیفی و وسعت آن کاسته شده و عنوان خانه‌ی ارزان قیمت و مسکن اقشار کم درآمد و امثال آن‌ها را به خود می‌گیرد. در حالی که اگر برای مسکن به طور عام شرایط و خصوصیات تدوین شود، می‌توان متناسب با زمان و مکان و شرایط، تصمیم صحیح و مناسب را در طراحی و ساخت مسکن مطلوب اتخاذ نمود. چنانچه در معماری تاریخی مسکن نیز چنین بوده است، و در واقع اصول حاکم بر خانه‌های وسیع با اصول شکل دهنده‌ی خانه‌های کوچک ثابت بوده‌اند. حتی عده‌های دامنه‌ی این وحدت اصول و معیارها را توسعه داده و معتقدند که اصول ثابتی بر کل معماری و شهرسازی مجتمع‌های تاریخی مسلمانان، و از جمله ایرانیان، حاکم بوده است [۲۲]. در حالی که امروزه موضوع کاملاً برعکس شده و آنچه ثابت است توجه به موضوعات مادی می‌باشد.

با این حال، برای مسکن و عوامل مربوط به مقوله‌ی سکونت دو دسته ویژگی‌های اثباتی که مرعی داشتن

بروجرد یک شهر تاریخی بوده و خانه‌های تاریخی زیادی دارد که مطابق با ویژگی‌های اقلیمی، فرهنگی و ... شهر ساخته شده است. در جدول زیر ویژگی‌های کلی خانه‌های تاریخی (که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند) بررسی شده سپس مقایسه‌ای بین این ویژگی‌ها و مسکن مهر صورت گرفته است.

ویژگی کلی خانه‌های تاریخی در بروجرد

الگوهای خانه‌های تاریخی شهر بروجرد که مطابق با فرهنگ ایرانی - اسلامی احداث شده بودند در تناسب زیبایی با محیط طبیعی خود قرار دارند و علاوه بر این از تمام قسمت‌های خانه حداکثر استفاده به عمل آمده و هیچ قسمتی از این نوع مسکن بدون استفاده نبوده‌اند. تعریف فضاهای عمومی و خصوصی در این بناها، مبین

| | | |
|--------|--|-------|
| ساکنان | به صورت شمالی - جنوبی محوط مرکزی (پلان خانه‌های اسلامی) | پلان |
| | تأثیر از عنصر آب و درخت در حیات برجسته از نوع ایرانی | تأثیر |
| | ابعاد و اندازه طول: ۶۰ عرض: ۳۰ (پلان خانه‌های اسلامی) | تأثیر |

| | | |
|--------|--|-------|
| ساکنان | جرگه از بافت قدیمی - فضای حیات مرکزی و فضای دلفی (نقشه بنیاد اسلامی) | تأثیر |
| | فضای به کار رفته ۱- به صورت دندلانی ترکیب با بناهای طرف ساخته‌های قدیمی ۲- آجرهای تعریف شده ۳- جویچه به آسترده و روپه ۴- بافتش (نقشه) ۵- سنگین | تأثیر |
| | خط و نظریه فکری فضای به کار رفته بنای بیرون آباء آور استفاده از مصالح آجر و سنگ | تأثیر |
| | درجه بنا در بنیاد (نقشه زمین) | تأثیر |
| | ۱- انتقال پیام و زمینه‌چانه به نسل‌های حاضر و آینده ۲- فضای دلفی و آگاهی بخش نسبت به گذشته. سازمان ۳- اصول و حفظ زیبایی گذشته ۴- ایجاد جاذبه‌های مناسب جهت حضور مردم و جذب توریست ۵- مظهری هنرمند | تأثیر |

آن‌ها توصیه می‌شود و دسته‌ی دوم ویژگی‌های سلبی هستند که حذف یا عدم اجازه به ظهورشان ضرورت دارد. لازم به ذکر است که هر دوی این ویژگی‌های اثباتی و سلبی نیز به نوبه‌ی خود مشتمل بر مقولاتی جزئی‌تر هستند که از جمله‌ی آن‌ها عبارتند از: صفات مسکن (مثل امنیت، ایمنی، خصوصیت، آرامش و مانند آن‌ها)، امکانات مسکن (از قبیل زمینه‌ی امکان ارتباط انسان با طبیعت، امکان مرتفع شدن نیازهای انسانی و امکان دسترسی به منابع تأمین کننده‌ی نیازها) و انتظارات از مسکن یا تأثیر مسکن بر مقولات اجتماعی (مانند ترجیح هویت جمعی به هویت فردی، احترام به حقوق دیگران، کمک به وحدت جامعه و مانند آن‌ها) می‌باشند. البته در این مجال عمدتاً به ویژگی‌های گروه اول (ویژگی‌های اثباتی) اشاره خواهد شد زیرا ملحوظ داشتن این ویژگی‌ها عمدتاً به عنوان عاملی در جهت حذف ویژگی‌های نامطلوب عمل خواهند کرد.

۱۱. روش تحقیق بر حسب هدف

روش تحقیق در پژوهش حاضر، به لحاظ هدف کاربردی بوده و از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی - مقایسه‌ای می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای بوده و به تناسب نیاز از روش میدانی نیز بهره گرفته شده است. در این پژوهش ابتدا مسکن مهر مورد مطالعه قرار گرفته، سپس از نقطه نظر وجود معیارهای ایرانی - اسلامی مورد بررسی و تدقیق واقع شده است. در این تحقیق از روش دلفی (پرسشنامه متخصصین) جهت مطالعه و بررسی تطابق مسکن مهر با معیارهای ایرانی - اسلامی بهره گرفته شده است.

۱۲. شناخت محدوده مورد مطالعه (فضای پژوهش)

شهر بروجرد در شمال استان لرستان، در ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۵۴ دقیقه عرض شمالی واقع است [۲۲]. طبق آخرین تقسیمات کشوری، شهرستان بروجرد شامل دو شهر (بروجرد و اشترینان) دو بخش (مرکزی و اشترینان) و هفت دهستان و ۱۸۸ آبادی است. بخش مرکزی شهرستان بروجرد یکی از دو بخش تشکیل دهنده شهرستان بروجرد در استان لرستان است، ساکنان این بخش بیشتر ساکن شهر بروجرد هستند. مرکز این بخش شهر بروجرد است که مرکز شهرستان بروجرد نیز می‌باشد و از شهرهای بزرگ و پررونق استان لرستان است.

احترام به ساکنان این فضاها می‌باشد. الگوی معماری این خانه‌ها در تناسب کامل با فرهنگ ایران و زمان خود و تأمین کننده آرامش و آسایش ساکنان این خانه‌ها بوده است. اما در زمان معاصر، معماری حاضر در تعارض با معماری آن زمان قرار گرفته و شکلی از تقلید از فرهنگ غربی را به خود گرفته است.

۱۳. مسکن مهر

یکی از اساسی‌ترین نیازهای طبیعی انسان پس از غذا مسکن می‌باشد. نیاز به مسکن برای حفاظت انسان در برابر سرما و گرما و خطرهای جانوران و محلی امن برای استراحت و آسایش، از گذشته تا کنون به عنوان نیازی بنیادین مطرح شده است. مسکن برآورنده‌ی نیازهای روانی، اجتماعی و محلی امن برای خانواده به حساب آمده و با توجه به افزایش جمعیت و توسعه شهرنشینی به یکی از حادث‌ترین معضلات جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه، از جمله ایران تبدیل شده است [۲۴].

در ایران بین میزان درآمد و هزینه‌ی مسکن تناسبی وجود ندارد؛ برای مثال قیمت یک واحد مسکونی متوسط بیش از ۱۲ سال درآمد یک خانواده با حقوق حداقل است [۲۵]. به همین علت دولت ایران با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی از تعاونی‌های مسکن حمایت و یا سرمایه‌گذاری مستقیم کرده است. تعاونی‌های مسکن مهر با حذف قیمت زمین از قیمت تمام شده در ارائه‌ی واحدهای ساختمانی برای افراد کم درآمد اقدام نموده‌اند [۲۶].

نیاز به مسکن با افزایش جمعیت تشدید می‌شود. مطالعات جمعیت در طرح کالبدی ملی نشان می‌دهد که کشور ایران تا سال ۲۰۱۴ حدود ۱۰۹/۷ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت که از این میزان حداقل ۷۷/۱ میلیون نفر در نقاط شهری و حداکثر ۳۲/۶ میلیون نفر در نقاط روستایی سکونت خواهند داشت. از طرف دیگر کوچکتر کردن ابعاد خانواده، افزایش تعداد خانوارها را در بردارد که خود نیاز به مسکن را تشدید می‌کند. افزایش نسبت شهرنشینی نیز بعد خانوار در کل جامعه را تقلیل داده و به سرعت نیاز به مسکن شهری را افزایش می‌دهد.

۱۴. بررسی تطابق واحدهای ساخته شده مسکن مهر با معیارهای ایرانی - اسلامی

متأسفانه تمامی ویژگی‌های منفی از قبیل عدم رعایت استانداردهای ساخت و ساز، تقابل با طبیعت، ناسازی‌های غربی و عدم هویت در این فضاها در واحدهای ساخته شده مسکن مهر به وضوح دیده می‌شود.

۱۴-۱. الگوهای فضاهای باز در مسکن مهر

مهم‌ترین الگوی فضای باز در گذشته و حال فضای حیاط می‌باشد که شاید بتوان مهم‌ترین کارکرد آن به ویژه در زمان حال را، رابط میان فضای بسته و گذر دانست. ساختمان‌های مسکن مهر شاید به واسطه نقش آپارتمانی که دارند نتوانند فضای حیاط را تعبیه نمایند.

۱۴-۲. الگوهای فضاهای پوشیده

حضور فضاهای پوشیده در سازمان فضایی این خانه‌ها بسیار کاهش یافته است. این فضاها فاقد تعریف شدگی موثر می‌باشند و در بسیاری موارد به صورت یک کف رها شده ارائه شده‌اند. اگرچه کف بالکن در طبقات بالای این مسکن در امتداد فضاهای بسته قرار دارند اما به سبب اشراف ساختمان‌های اطراف و عدم چشم انداز مناسب، فرهنگ و شیوه زندگی معاصر، امکان استفاده از آن‌ها را ندارد و ساکنان خانه‌ها می‌توانند تنها از پیرامون بالکن‌ها برای گذاشتن اشیاء استفاده کنند.

۱۴-۳. الگوی فضاهای بسته

در این نوع از ساختمان‌ها پس از عبور از ورودی اصلی، به پیلوت وارد شده و از طریق راه پله یا آسانسور به سطوح بالاتر وارد می‌شویم.

۱۵. ویژگی‌های کلی مسکن مهر در شهر بروجرد

سازمان فضایی این خانه‌ها با حذف فضاهای بینابینی (انواع راهروها، پیش اتاق‌ها، پیش فضاها، حریم‌های اتصال دهنده و جدا کننده) توانایی خود را در ایجاد قلمروهای مختلف خصوصی و عمومی خانه برای استفاده کنندگان از فضا، از یک نفر تا کل اعضای خانواده و گروه‌هایی با تعداد بیشتر از دست داده است. به این ترتیب مشارکت سازمان فضایی خانه در ارتقای کمی و کیفی شیوه‌ی زندگی، معنای خود را از دست داده است و سازمان فضایی زندگی خانواده نه تنها فضایی برای خلوت پدید نمی‌آورد، حتی رغبتی نیز برای حضور گروهی افراد ایجاد نمی‌کند.

بی‌توجهی به نقش عناصر تشکیل دهنده فضا (سقف، کف و دیوار) منجر به بی‌توجهی به نقش فضا در تأثیرگذاری بر حال و هوا و شیوه زندگی ساکنان خانه می‌شود. شکل این بی‌توجهی، «سطح» شدن و مضمون این بی‌توجهی تک‌نقشی شدن عناصر تشکیل دهنده فضا است. این وضعیت درجات توان تأثیرگذاری فضا را پایین می‌آورد و

به صورت بی‌درپی و پیوسته به سایر جزء فضاها و عناصر سرایت می‌کند.

فضاها و عناصری همچون پله، ورودی، پنجره و بالکن به جعبه و سطح تبدیل می‌شوند. سطح‌ها نوارهای باریک می‌شوند و به تدریج این امر تا حذف فضا و عناصر پیش می‌رود.

نقش فضا در درون اتاق‌ها و محدوده‌های درهم‌خانه در اثر این بی‌توجهی به تدریج کاهش یافته و اکنون مصالح و اشیاء به جای فضا ایفای نقش می‌کنند. اهمیت یافتن اشیاء در خانه به تدریج افزایش یافته و اکنون تا مرحله اشغال و اشباع فضا پیش رفته است. به نحوی که در خانه‌های تاریخی فضا بدون وابستگی به اشیاء، امکان انتخاب آزادانه فعالیت را برای ساکنان مهیا می‌کرد. اما در واحدهای مسکن مهر، حضور اشیاء، ساکنان را به انجام فعالیت‌های محدود، محدود می‌کند.

فراگیر شدن حضور اشیاء بر صداهایی که درون خانه شنیده می‌شوند نیز تأثیر بسزایی گذاشته است. افزایش صداها در این خانه‌ها که از عواقب حضور اشیاء متعدد در خانه است در درازمدت تأثیرش را بر کیفیت زندگی ساکنان این مسکن بر جای خواهد گذاشت. تعدادی از صداهایی که در این نوع از خانه‌ها به وضوح شنیده می‌شود عبارت است از: صدای سیفون یا سیفون‌ها، صدای هواکش یا هواکش‌ها، لرزش پنجره‌ها و شیشه داخل قاب پنجره‌ها، باز و بسته کردن شیرهای آب (اعم از این که واشر سالم یا معیوب است)، صدای موتوی یخچال و فریزر، صدای ماشین رختشویی و جاروبرقی به هنگام استفاده، سایر صداهای تولید شده مقطعی در اثر روشن شدن تلویزیون، رادیو، لوازم صوتی و تلفن، صدای موتورخانه، صدای کولر، پنکه یا فن کوئل، صدای تلفن همراه و صداهایی که از رایانه به گوش می‌رسد

سازمان فضایی این خانه‌ها اکنون محل تجمع مقداری تخت، میز، مبل، صندلی و ستون هستند. بر حسب امکان، فرش، موکت یا موزاییک بر کف و چراغ و آویزی بر سقف و شرفاز و کولری بر سقف و دیوارها، این سازمان را شکل و معنا می‌بخشند. به خاطر بی‌توجهی به جان عناصر معماری یعنی دیوار، سقف و کف و رعایت نکردن معیارهای تعریف شدگی، قابلیت ترکیب و تشخیص فضا، مصالح ساختمانی و اشیای عملکردی، سازمان فضایی این خانه‌ها را شکل داده‌اند. ساکنان در درون فضاهایی سترون (فاقد کیفیت و معنا) شب و روز می‌گذرانند و امکان بهره‌گیری از توانمندی فضا و تنوع فعالیت را تجربه

نمی‌کنند، به تدریج با گذشت ایام، ساکنان انرژی از دست داده در بیرون خانه را در درون فضاهای مسکونی خود نیز باز نمی‌یابند. فرایند طراحی (سازماندهی آگاهانه فضا) در شرایط موجود، برای این خانه‌ها بسیار خلاصه شده تا آنجا که نقشه مسطح، مورد تأیید شهرداری قرار گیرد، پیشتر نمی‌رود. فرایند سازماندهی فضای خانه در سه بعد به حل پلان در سطح تقلیل یافته است، آن هم در جهت منفعت یک طرف از بهره برداران فرایند تولید واحد مسکونی. به موازات کاهش حساسیت و توانمندی فضا در این خانه‌ها، روند جدا شدن نظام ایستایی و نظام آسایشی از نظام فضایی شدت گرفت. در خانه‌های تاریخی، هر جرئی در عین برخورداری از استقلال و برخورداری از تعریف مشخص، با هم ترکیب می‌شدند تا جزء فضاها را در درون سازمان فضایی تشکیل دهند. بدین عبارت که نه تنها اجزا قابل استفاده بودند، بلکه ترکیب اجزا نیز قابل استفاده بود تا آن مقدار که امکان بهروری از کل سازمان فضایی یک خانه نیز میسر می‌شد. در نتیجه اجزا وجود داشتند اما تجزیه‌ای در کار نبود.

در مسکن مهر، اگرچه هنوز سقف، کف و دیوار؛ حدود جزء فضاها را تشکیل می‌دهند اما جزء فضاها شرایطی فراهم نمی‌کنند تا سازمان فضایی خانه‌ها به تمامی قابل استفاده باشند. اجزا، شرایط تجزیه را فراهم کرده‌اند. سازه و سازگاری در فرایند شکل‌گیری سازمان فضایی خانه‌های معاصر به سمت تجزیه رفته و همچون اجزای مستقل و جداگانه به سازمان فضایی خانه الحاق می‌شوند. اکنون در تصور رایج، جدا بودن سازه از طراحی امری عادی تلقی می‌شود. سازه یک بنا می‌تواند پس از طی شدن مراحل طراحی و چیدمان جزء فضاها، طراحی شود. برای مشخص شدن تغییرات این مسکن با خانه‌های تاریخی، برخی از گرایش‌های معماری این خانه‌ها را در مقایسه با خانه‌های تاریخی بیان می‌کنیم:

- تغییر در قلمرو فضای بیرونی و درونی ورود به خانه، در مسیر کاهش و حذف فضاهای ورودی از بیرون و درون خانه.
- تغییر در قلمرو استقرار فضاهای باز و بسته، آن هم بدون فضای واسطه سرپوشیده و دوجبه‌های شدن فضاهای بسته.
- تغییر در میزان استفاده از فضاهای پوشیده در مسیر کاهش و حذف آن‌ها.
- تغییر در قلمرو نسبت فضاهای باز، بسته و پوشیده.
- غیر قابل استفاده شدن فضای بام.

شکل ۲. تیپ شماره دو مسکن مهر شهر بروجرد (ماخذ: اداره راه و شهرسازی بروجرد)

شکل ۳. تیپ شماره سه مسکن مهر شهر بروجرد (ماخذ: اداره راه و شهرسازی بروجرد)

شکل ۴. تیپ شماره چهار مسکن مهر شهر بروجرد (ماخذ: اداره راه و شهرسازی بروجرد)

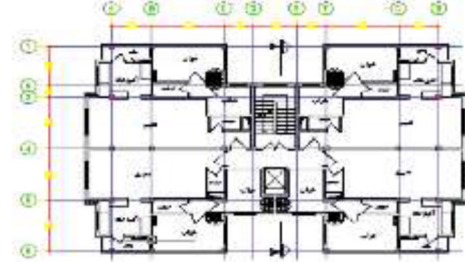
با توجه به پلان های مسکن مهر و توضیحات ارائه شده مشخص گردید که واحدهای ساخته شده مسکن مهر در راستای معماری ایرانی- اسلامی ساخته نشده اند، بنابراین جهت بررسی هر چه بیشتر این مسئله، علاوه بر مشاهده، اقدام به تکمیل دو پرسشنامه از کارشناسان (پرسشنامه دلفی) گردید تا وجود یا عدم وجود معیارهای ایرانی- اسلامی و علل آن مورد بررسی قرار گیرد.

- دوبعدی شدن و یکنواختی فضاهای بسته به لحاظ یکسان شدن ارتفاع فضاها در مسیر گرایش عمومی تبدیل شدن حجم به سطح.

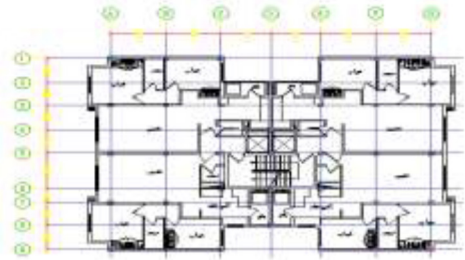
- بی توجهی به مسیرها و میزان عبوری ها و گرایش به حذف فضاهای بینابینی.

- تغییر اتصال و رابطه جزء فضاها.

- تغیب محاذها، دها، دهها، دهها به جزء فضاها، از نظام



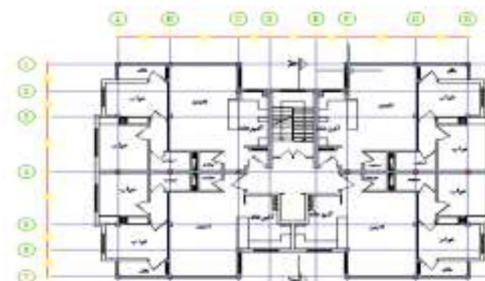
معماری، در مسیر عدم تبعیت استقرار دستگاه های گرما زا و سرمازا از سازه های فضایی خانه.



- تغییر در قلمرو شیوه نام گذاری فضاها و جزء فضاها در مسیر نامیدن آنها بر اساس عملکردهای محدود.



شکل ۱. تیپ شماره یک مسکن مهر شهر بروجرد (ماخذ: اداره راه و شهرسازی بروجرد)



جدول ۲. معیارهای ایرانی - اسلامی به کار گرفته شده در مسکن مهر

| مطابق با معیارهای ایرانی است | وجود دارد | معیارها |
|------------------------------|-----------|---|
| - | - | راهروال (L) مانند |
| - | - | هشتی یا دالان |
| - | - | حیاط پاسیودار یا حیاط مرکزی |
| - | - | ایوان یا مهتابی |
| - | - | پس اتاق و گوشوار (کاربری اتاق خواب)، دو دری |
| - | - | سه دری |
| - | - | تالار، پنج دری، |
| - | * | اتاق‌های جانبی (کاربری خدمه و سرایداری) |
| - | - | آشپزخانه غیراین (Open) |

(ماخذ: نگارنده)

جدول ۳. علل عدم استفاده از معیارهای ایرانی - اسلامی در مسکن مهر

| اولویت اول | اولویت دوم | اولویت سوم | اولویت چهارم | اولویت پنجم | اولویت ششم | اولویت هفتم | اولویت هشتم | اولویت نهم | اولویت دهم | عوامل اثر گذار |
|------------|------------|------------|--------------|-------------|------------|-------------|-------------|------------|------------|--|
| | * | | | | | | | | | بی توجهی به فرهنگ و آداب ایرانی - اسلامی |
| | | * | | | | | | | | تقلید از معماران غربی |
| | | * | | | | | | | | کمبود زمین |
| | | | | | | | | | * | افزایش هزینه |
| | | | | * | | | | | | عدم آگاهی مسئولین از معیارهای ایرانی - اسلامی |
| * | | | | | | | | | | عدم استقبال مردم از خانه‌های ایرانی - اسلامی |
| | | * | | | | | | | | عدم نظارت بر عملکرد طراحان این مساکن |
| | | | | * | | | | | | عدم نظارت بر عملکرد سازندگان این بناها |
| | | | | | | * | | | | عدم وجود مصالح و منابع مورد نیاز برای این مساکن |
| | | * | | | | | | | | عدم دسترسی مسئولین به الگوهای ایرانی - اسلامی برای این بناها |

(ماخذ: معاونت سازمان راه و شهرسازی بروجرد)

زیر داده‌اند با توجه به جدول زیر، می‌توان گفت که بیشتر کارشناسان تقلید از معماران غربی را عامل اصلی عدم کاربرد معیارهای ایرانی - اسلامی در ساختمانهای مسکن مهر بروجرد میدانند. پس از آن بیتوجهی به فرهنگ و آداب ایرانی - اسلامی قرار گرفته، سپس عدم دسترسی مسئولین به الگوهای ایرانی - اسلامی این نوع ساختمانها در مرتبه بعدی بوده و به ترتیب افزایش هزینه، عدم آگاهی مسئولین امر از معیارهای ایرانی - اسلامی، عدم استقبال مردم از خانه‌های ایرانی - اسلامی، عدم وجود مصالح بومی، عدم نظارت بر عملکرد طراحان و عدم نظارت بر عملکرد سازندگان رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند

۱۶. معیارهای ایرانی - اسلامی به کار گرفته شده در مسکن مهر

در مورد کاربرد یا عدم کاربرد معیارهای ایرانی - اسلامی در مسکن مهر، تحلیل پرسشنامه‌های تکمیل شده نشان می‌دهد که تمامی کارشناسان مربوطه به صورت متفق القول عدم کاربرد معیارهای ایرانی - اسلامی در مسکن مهر ساخته شده در شهر بروجرد را تأیید نموده‌اند.

در مورد علل عدم استفاده از معیارهای ایرانی - اسلامی، کارشناسان مربوطه نظرات متفاوتی به این شرح جدول

جدول ۴. نظرات کارشناسان در مورد عدم رعایت معیارهای ایرانی - اسلامی در مسکن مهر

| درصد | عامل | درصد | عامل |
|------|---|------|---|
| ۳ | عدم استقبال مردم از خانه‌های ایرانی - اسلامی | ۲۳ | بی توجهی به فرهنگ و آداب ایرانی - اسلامی |
| ۲ | عدم نظارت بر عملکرد طراحان | ۳۴ | تقلید از معماران غربی |
| ۲ | عدم نظارت بر عملکرد سازندگان | ۳ | کمبود زمین |
| ۳ | عدم وجود مصالح بومی | ۱۰ | افزایش هزینه |
| ۱۵ | عدم دسترسی مسئولین به الگوهای ایرانی - اسلامی این نوع ساختمانها | ۵ | عدم آگاهی مسئولین از معیارهای ایرانی - اسلامی |
| | ۱۰۰ | | مجموع |

(ماخذ: نگارنده)

نتیجه‌گیری

مشاهده واحدهای ساخته شده مسکن مهر در شهر بروجرد و مقایسه آن‌ها با خانه‌های تاریخی مورد مطالعه که منطبق با معیارهای معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی ساخته شده بودند؛ بیانگر عدم تطابق و حتی تضاد این خانه‌ها با خانه‌های تاریخی می‌باشد، به نحوی که بسیاری از فضاها که در خانه‌های تاریخی وجود داشته و دارای نقش‌های خاص خود بودند، در این خانه‌ها از بین رفته و یا نقش خود را از دست داده‌اند. مهم‌ترین تضادهای مسکن مهر با معماری ایرانی-اسلامی موارد زیر می‌باشند:

فضاهای بینابینی مانند راهروها، پیش‌اتاق‌ها، پیش‌فضاها و حریم‌های اتصال‌دهنده و جداکننده در این واحدها، توانایی خود را در ایجاد قلمروهای عمومی و خصوصی از دست داده‌اند. در این خانه‌ها، فضایی برای خلوت وجود ندارد، همچنین در این خانه‌ها، رغبتی برای حضور گروهی افراد نیز دیده نمی‌شود.

تک‌نقشی شدن فضاهایی مانند اتاق خواب در واحدهای مسکن مهر، باعث بدون استفاده شدن یک سوم از فضای خانه در طول روز گردیده و به علت محفوظ نگه داشتن این فضا از دیدرس دیگران، اتاق‌های خواب، نقش انبار و به هم ریختگی به خود گرفته‌اند.

در خانه‌های مسکن مهر، فضاها و محدوده‌های خانه نقش خود را از دست داده‌اند و مصالح و اشیاء به جای فضاها، نقش گرفته‌اند.

ادغام نمودن فضای آبریزگاه و دستشویی در اتاق‌های بسیار کوچک بهداشتی، که علاوه بر ایجاد مشکلات مختلف، به نور و تهویه مصنوعی نیز نیاز دارند.

ورود آشپزخانه به فضاها و همجواری و تجهیز آن با شیرهای آب و... بر حجم و سطح فضاها در هم افزوده است.

در خانه‌های ساخته شده مسکن مهر، اثری از حضور آب، سبزی، آسمان، آفتاب، باد، شب و مهتاب وجود ندارد. تنها دیوارها و پنجره‌ها در این خانه‌ها دیده می‌شوند.

در این واحدها، حیات تعبیه نشده و نقش مرکزیت آن نیز دیده نشده است.

خانه‌های ساخته شده مسکن مهر، در تقابل با طبیعت بوده و هیچ‌گونه هماهنگی با آن ندارند.

نادیده گرفتن ویژگی‌های محیط طبیعی و انرژی‌های طبیعی موجود در طبیعت مانند باد، تابش آفتاب و... باعث هدررفت منابع انرژی تجدیدناپذیر شده است. فقدان استانداردها و نداشتن کدهای طراحی که در آن‌ها ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مردم لحاظ نشده است.

نماسازی‌های غربی در ساختمان این خانه‌ها به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده فاصله گرفتن از نماهای ایرانی و دنباله‌روی از غرب می‌باشد.

بی‌هویتی و از دست رفتن نقش محرمیت فضاها درونی و بیرونی در این خانه‌ها مشهود است.

زوال کیفیت‌های معماری و فاقد ارزش‌های معمارانه در این خانه‌ها بیانگر عدم توانایی لازم برای برآوردن نیازهای مردم از خانه به عنوان فضای آرامش و آسایش است.

فهرست منابع

- 1- Ahari, Z, arjmand Nia, A, (1991), Minimum Housing, Building and Housing Research Center, Tehran.
- 2- Bazmazmon, A, (2007), the formation and management of cooperatives, Tehran, publisher of Venus.
- 3- Pour-Mohammadi, M., (2003), urban land use planning, publishing side.
- 4- Pirnia, MK, (1990), the Persian architectural style, developed memarian GH Institute affiliated to the Department of Islamic Art Publication cultural, social and artistic Oppressed and Veterans Foundation, Tehran.
- 5- Pirnia, MK. (1999), Islamic Architecture iran, Compiling and collecting GH memarian. Science and Technology Press.
- 6- Pirnia, MK. (1998). Stylistics of Iranian architecture. Compiling and collecting GH memarian. Soroush Publications knowledge.
- 7- Haeri Mazandarani, M., (2009), housing, culture, nature, architectural survey of historic and contemporary home design in order to develop a process and criteria published by the Department of Housing and Urban Development.

- 8- Hosseini, K., (2012), housing the pattern in historical context, eg designing of Residential neighborhood Borojerd Sufis, a guidance doctor, S. Izadi, Master Thesis, University of Hamedan.
- 9- housing organization & Urban of Borojerd, (2005), costume design housing.
- 10- Saifi, Mohammad K, Mahmoudi, M., (2007), the traditional architecture of Iran confidentiality, the identity of publication, year, number one.
- 11- Goudarzi, M., et al, (2006). Report home record Moghissi al Aftkharalaslām, oil, madder, bozorgmehr, Egyptian Cultural Heritage and Tourism General Department of Lorestan province, city Borojerd.
- 12- Statistical Center of Iran (,2006 ,1996 2011), Census of Population and Housing.
- 13- Mazloom Khorasani, M., et al, 2011, Evaluation of economic participation - social Maskan Mehr and its influencing factors in Mashhad in 2010-2009. Applied Sociology, twenty-second year, the number of quarters
- 14- Nasr, H., (1996), Islamic Art and Spirituality, translated by R. Ghasemian, Office of Arts Religious Studies.
- 15- Ministry of of Housing and Urban Development (1992), Housing Development Indicators.
- 16- Tym, R, (1985), The Financing and Affordability of Shelter in Shelter Services and the Urban Poor; Edited by S.M. Romaya and G.H. Franklin, UWIST
- 17- U.N and W.B; (1993), The Housing Indicators Programme, A Joint Programme of the United Nations Center for Human Development and the World Bank; W.B. Washington DC, USA.
- 18- ALGHASEM, L. (1987). Formative norm in Islamic iranin architecture. Publications Jahad daneshgahi.